

نقش قرآن در تحول سازمان

علی رضا کاملی^۱

دریافت ۱۴۰۰/۶/۳

پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۹

چکیده

هدف: این پژوهش باهدف معرفی و شناسایی معادل سازمان در قرآن و نقش قرآن در تحول و پیدایش سازمان انجام شده است. روش: در فرایند پژوهش نخست با بررسی ادبیات پژوهش، مطالعات قبلی موردبررسی قرارگرفته‌اند، سپس کلمات و مترادفات سازمان در قرآن مورد شناسایی و جستجو قرارگرفت و پس از آن با مراجعه به تفاسیر به‌طور دقیق بررسی شد، بعد از مطالب مستخرج بر اساس الگوی کدگذاری باز برگرفته از رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد کدگذاری شده‌اند. یافته‌ها: امت، حکومت، ملت، مؤمنون به‌عنوان معادل‌های اصلی سازمان شناسایی شده‌اند. نتیجه‌گیری: با مطالعه و بررسی که روی کلمات و معادل‌های سازمان از قبیل «حکومت» «ملت» «دولت» و «امت» در قرآن صورت گرفت و نیز با بررسی فرایند و نحوه شکل‌گیری، رشد و تکامل اجتماعات بشری؛ گویا و تداعی‌کننده معانی سازمان امروزی است.

واژگان کلیدی: قرآن، تحول و تحول سازمان.

^۱ - دانش‌پژوه دکتری علوم قرآن و مدیریت.

بدون شک قرآن معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام (ص) است و شعاع پرنورش در هر عصر و زمانه‌ای درخشش و تلألُع بیشتری پیدا می‌کند و حقایق جدیدتری کشف می‌گردد و آنچه در این عصر و زمانه بیشتر مورد توجه دانشمندان بوده است، رابطه قرآن با علوم جدید از جمله علوم انسانی بوده و در دهه‌های اخیر تعامل قرآن و علوم انسانی به صورت روشن‌تری مطرح شده و تکیه‌نگاری‌هایی نیز در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله اقتصاد، سیاست، مدیریت و... نگاشته شده است؛ اما در این‌که نقش قرآن در ایجاد و یا گسترش این مباحث به چه میزان بوده کمتر مورد عنایت محققین و دانشمندان بوده است، بلکه بیشتر در قالب اسلام و سنت مورد بحث قرار گرفته است و از آنجای که قرآن در آیات ذیل بیان فرموده است «وَلَا زُطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ؛ و هیچ‌تر و هیچ خشکی نیست، جز این‌که در کتاب روشن‌گر (علم خدا ثبت) است» (انعام/۵۹)، در آیه‌ای دیگر چنین آمده است: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ؛ و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است» (نحل/۸۹). در آیه‌ای دیگر آمده است: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ؛ هیچ چیزی در کتاب فروگذار نکردیم» (انعام/۳۸)، لذا قرآن کریم مشتمل بر معارف گوناگون در حوزه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی و عملی است که در ساحت‌های متعددی از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع، تربیت و... آموزه‌ها و معارفی را برای سعادت انسان‌ها به ارمغان آورده است. بدون تردید بخش قابل توجهی از آیات قرآن به پدیده‌های هستی و راهنمایی انسان‌ها در تدبیر امور آن‌ها اختصاص یافته و سعادت دنیا و آخرت آنان را تضمین نموده است (رفیعی محمدی، ناصر، ۱۳۸۶: ۳۴) لذا در تحقیق حاضر نقش قرآن در تحول سازمان به روش تحقیق کیفی نظری داده بنیاد آزاد مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف سازمان

سازمان عبارت است از: هماهنگی معقول تعدادی از افراد که از طریق تقسیم وظایف و برقراری روابط منظم و منطقی، برای تحقق هدف مشترکی، به طور مستمر، فعالیت می‌کنند (علاقه بند، ۱۳۸۴: ۷). برخی دیگر گفته‌اند: سازمان عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که برای تحقق اهدافی معین همکاری می‌کنند (رضاییان، ۱۳۸۴: ۱۰). البته به طور کلی دو نوع سازمان وجود دارد یکی سازمان



«اجتماعی - social organization» که وقتی انسان‌ها باهم زندگی می‌کنند، در میان آن‌ها به‌طور خودجوش، الگوی از روابط اجتماعی، باورها و جهت‌گیری‌های مشترک پدید می‌آید که اصطلاحاً سازمان اجتماعی نامیده می‌شود. از سوی دیگر، سازمان‌های وجود دارند که آگاهانه و از روی طرح و نقشه برای نیل به مقاصد معینی ایجاد می‌شوند. اگر تحقق هدفی مستلزم کار و فعالیت جمعی باشد، انسان‌ها سازمانی برپا می‌کنند که به‌وسیله آن می‌توانند فعالیت‌های جمع‌کثیری از افراد را هماهنگ سازند و مشوق‌ها و امتیازاتی تدارک می‌بینند تا افراد دیگر نیز برای کمک به تحقق هدف، به آن سازمان بپیوندند و این سازمان را سازمان «رسمی - formal organization» می‌گویند. قرآن کریم نیز به هر دو نوع سازمان اشاره دارد که مورد بحث قرار خواهد گرفت و تعریف مورد نظر ما نیز تعریف دوم از دکتر رضاییان است. چون سازمان که از آیات قرآن استفاده می‌شود مطابق با همین تعریف مورد نظر هست.

ادبیات نظری تحقیق

جامعه امروز را جامعه سازمانی (organizational society) می‌نامند، زیرا در این دنیا و جوامع، انسان‌ها هرجایی که زندگی می‌کنند و هر کاری که انجام می‌دهند، با سازمان‌های گوناگون در ارتباط‌اند و سازمان‌ها بخشی از زندگی روزمره همه مردم را تشکیل می‌دهند. کودکان در سازمان‌های بنام زایشگاه به دنیا می‌آیند، بیشتر سال‌های رشد و پرورش خود را در سازمان‌های به نام مدرسه می‌گذرانند و بخش عمده زندگی‌شان، در سازمان‌ها و یا در ارتباط با سازمان‌ها سپری می‌شود. از ابتدای تاریخ، ضرورت‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها را به همکاری واداشته است. همکاری در ابتدا ساده و خودجوش بود، ولی باگذشت زمان، به تدریج، پیچیده و دشوار شد و با آگاهی توأم گردید. انسان‌ها برای محافظت از خویش و مقابله با نیروی‌های خصمانه و به همان اندازه برای رفع نیازهای مشترک با یکدیگر به همکاری و اشتراک مساعی پرداختند و به مرور این درس ابتدایی را آموختند که از طریق همکاری گروهی، بیشتر از مواقعی که منفرد و تنها هستند می‌توانند کار مؤثر انجام دهند؛ بنابراین، کار و فعالیت مشترک، شیوه‌های منظم کار کردن را پدید آورد و همکاری تابع نظم و ترتیب شد.

پیشینه پژوهشی تحقیق

رابطه قرآن و علوم سابقه هزارساله دارد و این رابطه بیشتر در علوم طبیعی مطرح بوده ولی رابطه قرآن با علوم انسانی بیش از چند دهه نیست که مطرح شده و پژوهش‌های موردی هم انجام شده اما رابطه قرآن و سازمان که بحث مدیریتی است بحث کاملاً جدیدی است که کمتر دانشمندان به آن پرداخته است با تفحص و جستجوی که در این زمینه صورت گرفت؛ مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت تحول در قرآن» با نویسندگی تقی نوروزی در خانه «اسلام و پژوهش‌های مدیریت» ۱۳۹۱ موسسه پژوهشی امام خمینی (ره) و کتاب اصول و مبانی مدیریت در اسلام آقای مقیمی نیز به این مبحث پرداخته اما بحث ایشان کلی است و فقط در حوزه مدیریت و سازمان در اسلام است و مستقیماً به اینکه نقش قرآن در زمینه‌ی ایجاد و تحول سازمان چه بوده بحثی صورت نگرفته است لذا تحقیق حاضر به دنبال این نقش بوده و موارد تأثیرگذاری قرآن در مورد سازمان را مورد بحث قرار داده است.

سازمان‌شناسی از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، انسان‌ها فطرتاً اجتماعی آفریده شده‌اند و برای بقا و تکامل خود نیازمند «سازمان»^۱ و تشکیلاتی هستند تا ضمن روابط اجتماعی، از طریق همکاری با یکدیگر، به اهداف مورد نظر دست پیدا کنند. اصل اجتماعی بودن انسان ناشی از فطرت اجتماعی است که قرآن به بهترین صورت از آن خبر داده است. برخی از آیات قرآنی که ضرورت سازمان‌یافتگی و طبع اجتماعی انسان را مورد تأکید قرار می‌دهند، عبارت‌اند از:

- گروه‌بندی افراد جامعه برای شناخت مناسب. خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زنی آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (حجرات/۱۳).
- بهره‌گیری از خدمات افراد در قالب شکل‌گیری اجتماعات بشری، خداوند متعال در آیه ۳۲ زخرف ضمن بیان اختلاف و تفاوت‌های فردی در معیشت، ثروت و قدرت، مسئله استخدام و همکاری بشری را متذکر می‌شود و می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

^۱. در این مجموعه، حکومت، دولت، ملت، امت و مؤمنون معادل سازمان فرض شده است.



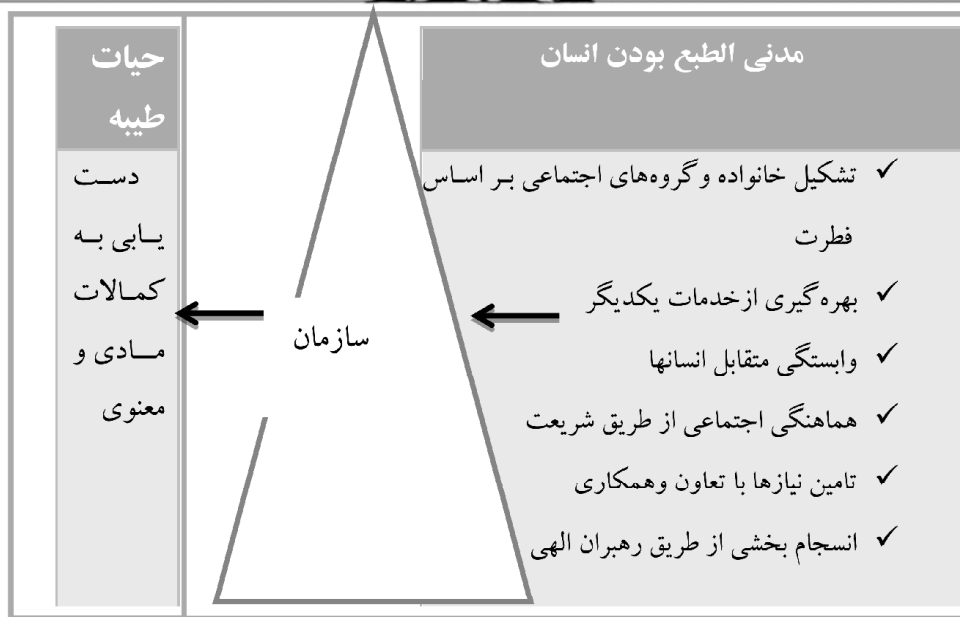
دَرَجَاتٍ، لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» "مائیم که معیشتشان را در بینشان (در زندگی دنیا) تقسیم کردیم و بعضی را بدرجاتی مافوق بعضی دیگر قرار دادیم تا بعضی، بعضی دیگر را مسخر خود کنند (زخرف/۳۲).

● وابستگی متقابل افراد جامعه به یکدیگر برای تأمین نیازها و خواسته‌ها. در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران آمده است. «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ». "هریک از شما وابسته به دیگری است" (مقیمی، سید محمد، ۱۳۹۴: ۱۳).

● رهبری مبتنی بر شریعت الهی، عامل کلیدی در انسجام بخشی و سازمان یافتگی اجتماعات انسانی. بر اساس آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ، وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ، لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا» "مردم همه يك امت بودند، سپس خدای تعالی انبیا را (که کارشان وعده و وعید دادن است) مبعوث فرمود و کتاب به حق را با آنان نازل فرمود تا بین مردم در آنچه در آن اختلاف می‌کنند داوری کند» (بقره/۲۱۳). این دو آیه، چنین خبر می‌دهد که انسان در قدیم‌ترین عهدش امتی واحد و ساده و بی اختلاف بوده، سپس اختلاف در بین افرادش پیدا شد و اختلاف هم به مشاجره و نزاع انجامید، لذا خدای تعالی انبیا را برانگیخت و با آنان کتاب فرستاد تا به وسیله آن کتاب اختلاف‌ها را برطرف کنند و دوباره به وحدت اجتماعی‌شان برگردانند و این وحدت را به وسیله قوانینی که تشریع فرموده حفظ کنند (همان: ۱۹).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هرکدام از آیات فوق به نحو خاصی مسئله اجتماعی بودن انسان را مورد بحث قرار داده است.

در آیه اول پیدایش انسان از زن و مرد و سپس تشکیل گروه‌های اجتماعی در سطح خانواده و قبیله را یادآور می‌شود و گروه‌بندی افراد جامعه را عاملی برای شناخت بهتر انسان‌ها می‌داند. آیه دوم، بهره‌مندی از خدمات افراد در قالب عنصر تسخیر و همکاری انسان‌ها با یکدیگر متذکر می‌شود. آیه سوم، اشاره به وابستگی متقابل بشری دارد که همه انسان‌ها از آن یکدیگرند. بر اساس آیه چهارم، به این موضوع اشاره دارد که پیامبران به عنوان مدیران و رهبران اجتماعی مبعوث شدند تا با ایجاد هماهنگی از طریق شریعت به اختلاف انسان‌ها پایان دهند (همان: ۱۸).



جدول ۱: نمودار فرایند شکل‌گیری سازمان مبتنی بر آیات قرآن

روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی این پژوهش بر اساس رویکردهای پژوهش از نوع کیفی است. در این پژوهش منبع اصلی قرآن کریم این کتاب مقدس و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام (ص) هست که مورد مطالعه قرار گرفته است که با استفاده از اصول رویکرد نظریه‌پردازی داده بنیاد، کلمات و مترادفات سازمان در قرآن شناسایی شده‌اند و از طریق نرم‌افزار نور این کلمات مورد جستجو قرار گرفت و تکرارپذیری هرکدام از مترادفات مورد احصاء و شمارش قرار گرفت که هرکدام در موارد مختلف معانی خاص خود را داشته‌اند ولی اغلب همان معنای مورد نظر از ظاهر کلمات مراد بوده است؛ اما دو واژه که در سازمان‌های امروزی کاربرد فراوان دارند سازمان و مدیریت است که با مطالعات صورت گرفته مترادف هر دو واژه در جدول زیر ترسیم گردیده است.



ردیف	عنوان	مترادفات
۱	سازمان	امت، ملت، مؤمنون، حکومت، اجتماع، اهل القرية، مدینه فاضله

جدول ۲: نمودار مترادفات سازمان در قرآن

مجموعه افراد که تحت این عناوین قرار دارد که از کوچک‌تر شروع شده مثل خانواده که تعبیر قرآنی آن اهل البیت است، سپس به مجموعه بزرگ‌تر مثل قبیله (طایفه، عشیره)، اصحاب، مؤمنون، اهل القرية و اهل المدینه و حکومت و ملت و در نهایت به امت می‌رسد؛ برای رسیدن به یک هدف تعیین شده از طرف رئیس آن، متحد، همگام و در تلاش هستند و این نوع ساختار خاص را در زندگی‌شان قبول داشته و پیاده می‌کنند.

جدول ۳: نمودار تکرار مترادفات سازمان در قرآن

نام	کل	سوره	آیه	خاص	تعداد
ملت / ملل	۱۹	۱۲	۱۷	ملت	۹
أمن / مؤمنون	۸۷۹	۷۷	۷۲۳	مؤمنین	۴۴
أمم / امت	۱۲۴	۴۳	۱۱۳	أمت	۴۸
قری / قرية	۵۷	۲۶	۵۴	قرية	۲۳
حکومت / حکم	۲۱۰	۵۷	۱۸۹	حکومت	۰

● عنوان‌های مذکور ممکن است در قالب و ساختارهای (سیاق) آیات، معنی خاصی موردنظر باشد اما برداشت مدیریتی و سازمانی از این واژگان گامی جدید در استفاده از آیات قرآن است.

۱- واژه «امت»: واژه «أمت» که جمعش امم است و کل تکرار که صورت گرفته در قرآن (۱۲۴) بار است و در (۴۳) سوره و (۱۱۳) آیه تکرار شده اما واژه «امت» در (۴۴) آیه آمده که به معنای ملت



واحد، دین و طریقت واحد بکار رفته است و چون در برخی از آیات دو و یا سه بار تکرار شده پس مجموع تکرارپذیری آن به ۶۴ بار می‌رسد.

واژه «امت» (معنای کلمه «امت»، ریشه و موارد استعمال آن)

کلمه (ناس) معنایش معروف است و آن عبارت است از افرادی از انسان که دورهم جمع شده باشند، امت هم به همین معنا است ولی گاهی اطلاق می‌شود بر يك فرد، هم چنان‌که در آیه شریفه: "إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ" (نحل/۱۲۰) و گاهی بر زمان نسبتاً طولانی نیز اطلاق می‌شود، مانند آیه: "وَاذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ" (یوسف/۴۵) و آیه: "وَلَيُنْ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ" (هود/۸) و نیز گاهی اطلاق می‌شود بر ملت و دین هم چنان‌که بعضی از مفسرین کلمه امت را در آیه شریفه: "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً، وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَتَّقُونِ" (مؤمنون/۵۳) و نیز در آیه: "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ" (انبیا/۹۲) به این معنا گرفته‌اند (طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴) ج ۲: ۱۸۶) پس این معنی امت از نظر معنایی با تعریف که دانشمندان مدیریت از سازمان ارائه می‌کنند نزدیک‌تر به نظر می‌رسد هرچند اجتماع بشری که قرآن کریم آن را فطری می‌داند و حکومت و بقیه موارد ذکرشده در جدول باکمی اغماض تداعی‌کننده معنای سازمان است برخی اجتماع عظیم‌تر و برخی کوچک‌تر را بیان می‌کند مثل مدینه و قریه، ولی همین‌ها هم بر اساس ساختار اجتماع سنتی قدیم دارای فرهنگ، رسومات و عنعنات خاص خود بوده‌اند؛ بنابراین واژه امت در قرآن کریم به معنی جماعتی و گروهی از انسان‌ها که بر اساس یک هدف مشخص و تعیین‌شده بنام دین و جامعه دینی گرد هم می‌آیند، آمده است که برای ترویج، تبلیغ و اجرایی کردن تمام دستورات که از جانب ارائه‌دهنده اصلی این دین (سازمان، امت، اجتماع بشری) به عبارت امروزی مدیریت در سطح عالی این حوزه که خداوند تبارک و تعالی هست و از طریق انبیا و پیامبرانش اعمال می‌گردد و شرایط عضویت ابتدای آن بسیار ساده و آسان هست «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا...»، یعنی اعتقاد به توحید و ایمان به پیامبرانش که در این سازمان، رنگ، نژاد، قومیت، ملیت، موقعیت جغرافیایی و... هیچ‌کدام شرط‌گذاری نشده و دخالت ندارد بلکه اساس اعتقاد قلبی و درونی است که انسان‌ها را تحت لوای یک پرچم توحید و اسلامیت قرار می‌دهد.

۲- واژه «ملت»: واژه «ملت» نه (۹) بار در قرآن کریم تکرار شده که علامه طباطبایی در المیزان و آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه و سایر تفاسیر که مراجعه شد به معنای آیین، طریقت و شریعت آمده و هشت مورد آن منتسب به ملت ابراهیم شده و یک مورد دیگر به ملت قوم مشرک و بت پرست



اطلاق شده است «إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ»، (یوسف/۳۷) و سپس در آیه بعدی اصل اصالت خانوادگی خود را بیان می‌کند که «وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ...» (یوسف/۳۸).

اصالت خانوادگی، هم چنان‌که در ساختار شخصیت افراد مؤثر است، در پذیرش مردم نیز اثر دارد. لذا حضرت یوسف برای معرفی خود، به پدران خود که انبیای الهی هستند تکیه می‌کند تا هم اصالت خانوادگی‌اش را ارائه دهد و هم قداست دعوت خود را (قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، ج ۶: ۷۷). لذا تعبیر به ملت و معنی که از آن مراد است نشان‌دهنده یک مجموعه اصیل و شناخته‌شده که دارای فرهنگ، ساختار و آیین مخصوصی هست که اختصاص به یک عصر هم نیست بلکه چندین عصر را بیان می‌کند که سرآغازش حضرت ابراهیم است و دیگران منتسب به آن حضرت؛ پس می‌شود معنای سازمان را در آن یافت.

بنابراین تمامی عبارت‌های کلیدی مرتبط با سازمان و مدیریت در ادبیات دینی می‌تواند هم چون: امت، حکومت، دولت کریمه، مدینه فاضله و اجتماع انسانی باشد، (مقیمی، سید محمد، ۱۳۹۴: ۱۹) و مهم‌ترین واژگانی که در آیات کریمه قرآنی برای دلالت بر حق حاکمیت خدای متعال بکار رفته است، عبارت‌اند از: حکم، ملک، تدبیر امر، ولایت امر، اطاعت و... (اراکي، محسن، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

۳- واژه «قریه»: واژه قریه در قرآن کریم ۲۳ بار تکرار شده و ذکر آن بیشتر در مورد اهل آن هست مثل آیه «فَلَوْ لَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا وَ...» (یونس/۹۸). چرا هیچ‌یک از شهرها و آبادی‌ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان به موقع باشد و) مفید به حالشان افتد. آیه «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ»، (شعرا/۲۰۸) و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آن‌ها نفرستادیم هلاک نکردیم و ۹ مورد کلمه اهل قریه ذکر شده که جدای از ۲۳ مورد قبلی است «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (شعراء/۹۶).

و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشودیم. این آیات و آیات دیگر طبق نظر مفسران و صاحبان رأی کما اینکه از ظاهر آیات نیز پیدا است بیان و مرادشان باورها، افکار و اعتقاداتشان هست نه صرف آب‌و‌خاک و جنبه فیزیکی آن در این صورت می‌توان این‌گونه برداشت کرد که مجموعه‌ای از افراد است که دارای



ساختار، فرهنگ و رسومات خاص خود هستند و برای زندگی‌شان آیین و شریعت بخصوص و... که باز برداشت سازمان قرآنی را می‌توان استنباط کرد.

۴- واژه «مؤمنین»: مؤمنین کلمه‌ای که می‌توان بر اساس اهمیت که قرآن کریم به آن داده و نیز مسلمین و پیروان پیامبر اسلام (ص) را نشان می‌دهد نمی‌توان به‌عنوان گروه ذکر کرد بلکه باکمی اغماض می‌توان نام سازمان را بر آن گذاشت.

ردیف	عنوان	تکرار
۱	مُؤْمِنُونَ	۴۰
۲	آمَنُوا	۲۴۸
۳	آمَنُوا	۱۳
۴	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا	۸۹
۵	يَا أَيُّهَا النَّاسُ	۲۰

لذا خطابات قرآنی نسبت به مؤمنین فراوان است طور که ماده «آمن» ۸۷۹ بار تکرار شده البته به معانی مختلف از جمله امنیت، ایمان و... اما اینکه ایمان فرد و یا جماعتی را بیان کرده باشد نیز فراوان است که مورد بحث ما هست. از جمله عبارت‌های قرآنی که در حدود ۸۹ بار در ابتدای آیات قرآنی تکرار شده عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» هست که خداوند متعال مطالبی را خطاب به مؤمنین بیان می‌فرماید هر چند تمام آیات قرآنی زیبا و قابل تأمل می‌باشند ولی در روش منتخب خوانی، می‌توان این آیات را مورد توجه قرارداد دستوراتی که خداوند با این گونه خطابات نسبت به مؤمنین داده است مطمئناً نکات بدیعی را به مخاطبان منتقل می‌کند که باید مورد توجه قرار گیرد.

خطاب‌های قرآنی دارای اوج و حضیض و نیز دارای مراتب متوسط است. پایین‌ترین آن، تعبیر «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» است (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸: ۲۵۵). که در قرآن حدود ۲۰ بار تکرار شده و يك خطاب جامع و عمومی است و نشان می‌دهد که قرآن مخصوص نژاد و قبیله و قشر خاصی نیست، بلکه همگان را در این دعوت شرکت می‌دهد. (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴)، ج یک: ۱۱۷). در منطق قرآن وقتی مخاطبان، توده مردم هستند، خداوند ربوبیت خویش را در قالب ذکر نعمت‌های



مادی و ظاهری بیان می‌کند، نعمت‌هایی که حیوانات نیز با انسان در بهره‌برداری از آن شریک‌اند (جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، ج ۲: ۳۹۵-۳۹۴). مرحله متوسط خطاب "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" و بالاتر از آن "أُولُوا الْعِلْمِ وَأُولُوا الْأَبْصَارِ" است که مخاطب خداوند، مؤمنان هستند. بنابراین خداوند ربوبیت خود را در قالب ذکر نعمت‌های معنوی و باطنی مانند ارسال رسل، انزال کتب، نبوت، امامت، ولایت و... بیان می‌کند که انسان در این مرحله از خطاب در ردیف فرشتگان قرار می‌گیرد (جوادی آملی، (۱۳۸۹)، ج ۲: ۳۹۵). چنانکه در آیه شریفه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَأَ ثَنُوكَهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ...»، (آل عمران: ۱۸) خداوند (با ایجاد نظام واحد جهان هستی) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، (هرکدام به گونه‌ای بر این مطلب) گواهی می‌دهند، درحالی‌که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد... که سخن از شهادت بر وحدانیت حق است، انسان در ردیف فرشته قرار گرفته است و بالاخره عالی‌ترین مرحله خطاب و ندا "یا أَيُّهَا الرَّسُولُ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ" است که وجود مقدس پیامبر اسلام (ص) مورد خطاب خدای سبحان قرار گرفته است.

معمولی‌ترین خطاب در قرآن کریم همان خطاب به مؤمنان است که با تعبیر "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" شروع می‌شود. این تعبیر در قرآن کریم ۸۹ مورد ذکر شده که نخستین آن آیه "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا..." (بقره/۱۰۴) و آخرین آن آیه "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا..." (تحریم/۸) هست (اسماعیل نساجی زواره (۱۳۸۱) شماره ۵).

این تعبیر منحصرراً در آیاتی است که در مدینه نازل شده است و در آیات مکی اثری از آن نیست شاید به این دلیل که با هجرت پیامبر (ص) به مدینه وضع مسلمانان تثبیت شد و به صورت یک جمعیت ثابت و صاحب نفوذ درآمدند و از پراکندگی نجات یافتند، لذا خداوند آن‌ها را با عبارات "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا" مخاطب قرار داده است این تعبیر ضمناً نکته دیگری در بردارد و آن اینکه حال که شما ایمان آورده‌اید و در برابر حق تسلیم شده‌اید و با خدای خود پیمان اطاعت بسته‌اید، باید به مقتضای این پیمان، به دستورهای که پشت سر این جمله می‌آید عمل کنید و به تعبیر دیگر ایمان شما ایجاب می‌کند که این دستورات را به کاربندید (مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، ج ۱: ۳۸۶-۳۸۷). از این مطالب به‌خوبی استفاده می‌شود که قرآن کریم مؤمنین را نه به‌عنوان گروه بلکه به‌عنوان یک نهاد و سازمان که ناب‌ترین افراد عضو آن هستند یاد می‌کند و اگر آیات دیگری را که بیان می‌کند بایمان کامل بر جمعیت کثیری غالب شدند آن‌ها را شکست دادند می‌توان به‌عنوان مؤید مطلب فوق آورد.

۵- واژه «حکومت»: حکومت از مفاهیم اساسی قرآن و آموزه‌های آن است. ریشه این گرایش قرآن را می‌بایست در نگرش اجتماعی اسلام به حوزه مفاهیم زندگی انسانی دانست. در مفهوم قرآنی زندگی اجتماعی بازندگی فردی چنان درهم آمیخته و آموزه‌های آن درهم تنیده شده است که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا تصور کرد لذا ماده «حکم» در قرآن حدود ۲۱۰ بار تکرار شده که به تناسب معانی مختلف مثل حکمت (علم)، قضاوت و... از آن اراده شده است، اما آیات فراوان که درباره مسائل مختلف حکومتی نازل شده است مانند آیات ذیل:

۱- قضاوت: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص، ۲۶) ای داود، ما تو را بر روی زمین خلیفه قرار دادیم، پس در میان مردم به حق حکومت و داوری کن"

۲- قانون‌گذاری: (کهف، ۲۶)، (شوری، ۱۰)، (نور، ۵۱) و...

۳- ویژگی‌های کارگزاران: شرایطی که کارگزاران حکومت باید داشته باشند؛ (شعرا، ۱۵۱)، (نساء، ۵)، (کهف، ۵۱)، (قلم، ۸، ۱۰، ۱۳)، (نساء، ۱۳۵) و...

۴- حدود و تعزیرات: (مائده، ۳۳ و ۳۸)؛ (نور، ۲ و ۴)؛ (نحل، ۱۰۶)؛ (آل عمران، ۸۶، ۸۷) و...

۵- امر به معروف و نهی از منکر: (آل عمران، ۱۰۴ و ۱۱۰ و ۱۱۳ - ۱۱۴)؛ (توبه، ۷۱ و ۱۱۲)؛ (حج، ۴۱)

۶- حکومت و حاکمیت: شیخ طبرسی در مجمع‌البیان کلمه: "کرة" که در آیه ۶ سوره اسراء آمده به معنای "دولت" معنا و تفسیر کرده و بعد "نفیر" را به معنای "نفر و عدد رجال" و فرموده "ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ" سپس دولت را به شما برگردانیدیم و شمارا در برابر آن‌ها مورد حمایت قرار دادیم و زندگی شمارا به وضع سابق برگردانیدیم «وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ» و مال و اولاد شمارا زیاد کردیم و شمارا صاحب نیرو و استعداد گردانیدیم «وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» و جمعیت شمارا بیشتر از جمعیت دشمنانتان گردانیدیم (طبرسی فضل بن حسن؛ (۱۳۷۲)، ج ۶: ۶۱۴).

خداوند متعال در دو آیه ۵۸ و ۵۹ سوره نساء درباره حکومت صحبت می‌کند در آیه اول زمامداران را تشویق می‌کند که حقوق مردم را رعایت کنند و در میان آن‌ها با انصاف و عدالت و مساوات رفتار کنند و در آیه دوم مردم را تشویق می‌کند که از آن‌ها اطاعت کنند و به آن‌ها تأسی بجویند و مشکلات و اختلافات خود را پیش آن‌ها ببرند و در حقیقت سلسله مراتب سازمانی را مطرح می‌کند که در سازمان‌های امروز بحث جالب و به‌روزی است.



«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً»، خداوند شمارا امر می‌کند که امانت‌ها را به اهلشان بدهید و هرگاه در میان مردم حکم کنید به عدالت حکم کنید. خداوند شمارا نیکو موعظه می‌کند. خداوند شنوا و بیناست.

در تفسیر امانات که در آیه آمده شیخ طبرسی هم در مجمع‌البیان و هم در جوامع الجامع نقل می‌کند که مقصود حاکمان و زمامداران است که به فرمان خداوند باید ملاحظه حال مردم را داشته باشند و آن‌ها را به راه دین و شریعت وادار کنند. این مطلب هم از امام باقر ع و امام صادق ع روایت شده است. ایشان فرموده‌اند: خداوند هر يك از امامان را مأمور می‌سازد که امر حکومت را به شخص بعد از خود واگذار کنند و مؤید آن این است که هم در ذیل آیه دارد که «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ: به زمامداران امر می‌کند که در میان مردم به عدالت حکم کنند. نظیر آن، این آیه است: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/ ۲۶) ای داود، ما ترا در زمین خلیفه و زمامدار کرده‌ایم پس در میان مردم به حق حکم کن) و دوم آیه بعدی است که خداوند بعد از این، مردم را به اطاعت زمامداران مأمور ساخته است و از ائمه علیهم‌السلام روایت شده است که: «دو آیه است که یکی برای ما و یکی برای شماست خداوند می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا... سپس می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» ای مردم مؤمن خداوند و پیامبر و صاحبان امر خویش را اطاعت کنید. البته این قول، داخل در قول اول است زیرا از جمله امانت‌های الهی ائمه بزرگوار هستند. لذا امام باقر ع فرمود: ادای نماز و زکات و روزه و حج، امانت است و از جمله امانت‌ها دستوری است که به والیان امر درباره تقسیم صدقات و غنائم و امور دیگری که حق رعیت بدان‌ها تعلق می‌گیرد، داده شده است (طبرسی، فضل بن حسن، ج ۵: ۲۰۰-۱۹۹)؛ بنابراین از مجموع آیات قرآن در مورد حکومت و هم شرایطی را که برای حاکمان ذکر می‌کند استفاده می‌شود که مسئله حکومت در قرآن مطرح شده و طبیعی است که حکومت خود یک سازمان بزرگ اجتماعی است.

به دنبال آیه ۵۹ سوره نساء نیز در بیان اطاعت و فرمانداری از حاکمان مطرح است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء/۵۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را و هرگاه در چیزی نزاع کردید آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید اگر ایمان به خدا و روز رستاخیز دارید، این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

این آیه درباره یکی از مهم‌ترین مسائل اسلامی، یعنی مسئله حاکمیت، رهبری، مدیریت و سلسله‌مراتب سازمانی یعنی در طول هم بودن بحث می‌کند و مراجع واقعی مسلمین را در مسائل مختلف دینی، اجتماعی و سازمانی مشخص می‌سازد. نخست به مردم باایمان دستور می‌دهد (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) که در عضویت سازمان اسلامی «امت، مؤمنین» درآمده‌اند یعنی مجموعه‌ای را من حیث یک سازمان به نام «مؤمنین» شناخته و معرفی می‌کند سپس دستور صادر می‌کند که ۱- از خداوند اطاعت کنند و ۲- از پیامبر اطاعت کنید که این خود نیز دو جنبه دارد دستور وحی و دستور ولایت؛ ۳- و در شرایط زمانی دیگر از اولوالأمر که وصایای پیامبر و جانشینانش هست و ۴- در مورد اخیر از نایبان عام و جانشینان پیامبر (ص) پیروی کنید که به ترتیب مدیریت توحیدی، مدیریت نبوی، مدیریت علوی و مدیریت فقهی است.

در ابتدا مدیریت توحیدی مطرح است که آیات فراوان وجود دارد که خداوند حاکم مطلق است و در دو مورد خداوند به «أَحْكُمُ الْحَاكِمِينَ» و سه مرد به «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» توصیف شده و موارد دیگر مثل «رب العالمین و...» زیاد است که همه مبین مطلب فوق است اما در اینکه خداوند فرمان به پیروی از پیامبر (ص) داده است به این معنا است که سخن او سخن خدا است و این منصب و موقعیت را خداوند به او داده است، بنابراین اطاعت از خداوند، مقتضای خالقیت و حاکمیت ذات او است، ولی اطاعت از پیامبر ص مولود فرمان پروردگار است در برداشت از این آیه هم شهید صدر در اقتصادنا و هم علامه طباطبایی در المیزان دو جنبه برای نبی ذکر می‌کند است "و شاید تکرار اطیعوا در آیه اشاره به همین موضوع یعنی تفاوت دو اطاعت دارد" (مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳: ۴۳۵). می‌فرمایند که درواقع اطاعت از رسول گرامی‌اش دو جنبه دارد، یکی جنبه تشریع، بدان چه پروردگارش از غیر طریق قرآن به او وحی فرموده، یعنی همان جزئیات و تفصیل احکام که آن جناب برای کلیات و مجملات



کتاب و متعلقات آن‌ها تشریع کردند و خدای تعالی در این باره فرموده: "وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ" (نحل/۴۴)، (ما کلیات احکام را بر تو نازل کردیم تا تو برای مردم جزئیات آن‌ها را بیان کنی) و جنبه دیگر از احکام و آرای است که آن جناب به مقتضای ولایتی که بر مردم داشتند و زمام حکومت و قضا را در دست داشتند صادر می‌کردند و خدای تعالی در این باره فرموده: "لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ" (نساء/۱۰۵) (تا در بین مردم به آنچه خدای تعالی به فکرت می‌اندازد حکم کنی) و این همان راهی است که رسول خدا (ص) با آن بر ظواهر قوانین قضا در بین مردم حکم می‌کرد که شهید صدر تعبیر به احکام ثابت و متغیر می‌کند (طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، ج ۴: ۶۱۸-۶۲۰؛ و صدر، محمدباقر، (۱۳۵۸): ۳۰۱ و ۷۲۵).

موارد مشابه از اجتماعات بشری که می‌توان آن‌ها را سازمان نام‌گذاری کرد از قبیل خانواده، مدینه، مدینه فاضله یا اهل المدینه. خانواده که کوچک‌ترین واحد اجتماع است می‌تواند دربردارنده تمامی مشخصه‌های سازمانی را دارا باشد هرچند که به جهت کوچکی آن سازمان نمی‌نامند زیرا خانواده، دارای نظام مدیریت علمی است و ساختار آن را در درون خودش دارد و تمام برنامه‌های یک سازمان در درونش اعمال می‌گردد مثل تعیین اهداف، برنامه‌های رهبری، مدیریتی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، تعامل با محیط و اثرپذیری و یا اثرگذاری بر محیط، ساختار و سلسله‌مراتب دستوری و فرمان‌برداری و... که هر خانواده بر اساس سلیقه شخصی و فردی خاص خود بر اساس باورها، عقاید، هنجارها و سنن که دارد نحوه خاصی از مدیریت را اعمال می‌کند، پس از نظر اسلامی و دینی خانواده می‌تواند یک سازمان اجتماعی اسلامی باشد، مسئولیت‌ها و تقسیم‌کارها و اینکه تصمیم‌گیرنده نهایی به پدر خانواده هست و موارد تربیتی و مدیریتی ریز فراوان وجود دارد. در قرآن کریم به اهل البیت تعبیر می‌شود که البته دامنه و گستره اهل البیت نیز منحصر به زن و فرزندان بلافضل نیست بلکه گسترده‌تر از آن است. وهم چنین مدینه فاضله که تمام ویژگی خوب انسانی و اجتماعی برای آن تعریف شده و معلوم است و در حقیقت یک جامعه ایدئال سازمانی دینی. اخلاقی است را می‌شود مسمی به سازمان نامید.

نتیجه‌گیری

سرآغاز دعوت به اجتماع از ناحیه مقام نبوت شروع شده و آغازگر آن انبیا (ع) بوده‌اند و آن را در قالب دین به بشر پیشنهاد کرده‌اند و انبیاء، بشریت را به مصالح و منافع اجتماع آگاه کرد و قرآن کریم ضمن بیان فرایند شکل‌گیری، رشد و تکامل اجتماع بشری در صد بیان تفاوت‌های اجتماع است که



ملاک برتری را در تقوا می‌دانند. اجتماعات که امروزه در دنیای مدرن امروز وجود دارد را سازمان می‌گویند که به تناسب اهداف، ساختار، وسعت، دامنه، ارزشی و... تقسیم‌شده و خدماتی را ارائه می‌دهند همه این نمونه‌ها و شکل‌ها را در قرآن کریم می‌یابیم و در حقیقت هدف از نزول قرآن آگاهی دادن مردم به فواید و مزایایی اجتماعی زیستن است و سازمان یکی از مزیت‌های مهم اجتماعات بشری است کما اینکه در اعمال که مشترک بین فردی و اجتماعی است قرآن به جنبه اجتماعی بودن آن بیشتر اهمیت می‌دهد مثل ثواب نماز جماعت هفتاد برابر فرادا است، حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و... همه تاکید بر این جنبه دارد. فرایند شکل‌گیری اجتماع از دید قرآن خانواده که تعبیر قرآنی آن اهل‌البیت است و بعد طایفه، قوم، قبیله، شعوب، قریه، مدینه و درنهایت به امت ختم می‌شود، البته امت یک سازمان کلی است که کل امت مسلمان را دربرمی‌گیرد ولی در درون این امت سازمان‌های متعدد در زمینه‌های مختلف وجود دارد که هرکدام تحقیق جداگانه و مفصلی را می‌طلبد مثل سازمان اقتصادی که حضرت یوسف (ع) بیان کرد و سازمان تولیدی، سازمان بهداشتی، خدماتی و... پس روشن گردید که دعوت به اجتماع دعوتی است که تنها از ناحیه مقام نبوت شروع شده و آغازگر آن انبیا (ع) بوده‌اند و آن را در قالب دین به بشر پیشنهاد کرده‌اند به شهادت اینکه هم قرآن بدان تصریح نموده و هم تاریخ آن را تصدیق کرده است.

فهرست منابع

۱. قرآن، ترجمه، طباطبائی در تفسیر المیزان و رضایی اصفهانی در مهر، شیرازی، مکارم، ناصر در تفسیر نمونه.
۲. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، اتقان، ۱۳۸۰.
۳. اراکی، محسن (۱۳۹۲)، فقه نظام سیاسی اسلام؛ جهان‌بینی سیاسی، جلد اول، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
۴. اسماعیل نساجی زواره (۱۳۸۱)، ماهنامه مکتب اسلام، شماره ۵.
۵. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر قرآن در قرآن، محقق: محرابی، محمد، قم: انتشارات اسراء، چاپ هشتم.
۶. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، ج ۲، محقق: اسلامی، علی، قم: انتشارات اسراء، چاپ ششم.
۷. خاتمی، فضایل، کارشناس معارف اسلامی اداره کل تبلیغات اسلامی زنجان، (نداها و خطاب‌های الهی در قرآن)، سازمان تبلیغات اسلامی،
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول.
۹. رضاییان، علی (۱۳۸۴)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
۱۰. رفیعی محمدی، ناصر، (۱۳۸۶)، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، ناشر: قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.
۱۱. شیرازی، مکارم، جمعی از همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
۱۲. صدر، محمدباقر (۱۳۵۸)، اقتصادنا، مترجم: موسوی، محمدکاظم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه، موسوی همدانی سید محمدباقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو.



۱۵. طبرسی فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۶. علاقه بند، علی (۱۳۸۴)، مدیریت عمومی، تهران: نشر روان، چاپ سیزدهم.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۸. مقیمی، سید محمد (۱۳۹۴)، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات رادان، چاپ دوم.